

موضوع: عدالت فردی در سبک زندگی امام خمینی(ره)

۱- استادعین الله خادمی¹

۲- سید امین موسوی خو²

چکیده

اقامه عدل در جامعه بشری که سیره مستمره انبیا بوده، مقدمه و وسیله رسیدن به مرتبه والاتر عدل، یعنی استقرار عدالت در سراسر وجود انسان است. در این پژوهش به بیان عدالت فردی و رفتاری امام در سبک زندگی پرداختیم. امام بیان های مختلفی از عدالت فردی ارائه کرده است که بیشتر از همه به جنبه اخلاقی و این معنای عدالت یعنی، حد وسط افراط و تفریط بین قوای نفس تاکید کرده، چرا که معتقد است اگر انسان نتواند قوای نفس را کنترل و به اعتدال برساند، او را به هلاکت کشانده ولی اگر این قوا به اعتدال برسند یک فضیلت برای انسان محسوب می شود که آن را به سعادت می رساند. از جمله بیان های دیگر امام در باب عدالت فردی؛ حالت نفسانی ملازم با تقوا در ترک محرمات و انجام واجبات، تعدیل قوه عملیه و تهذیب آن، تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه، خط مستقیم و سیر معتدل است. امام با رفتار خود بصورت عملی احترام و محبت، رعایت حقوق، عدم تبعیض در مسائل مختلف حقوقی، امنیتی، معیشتی و... را به اعتدال در سبک زندگی پیاده کرده است. و هیچ امتیازی در این زمینه برای خانواده خود نسبت به دیگران قائل نشده است.

واژه های کلیدی

امام خمینی، عدالت، عدالت فردی، سبک زندگی

بیان مسئله

¹ 1-استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی e_khademi@yamaail.com
² - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید رجایی www.mosavi3974@gmail.com

یکی از نکات اصلی و اساسی در تربیت کودکان، رعایت عدالت بین فرزندان است. رعایت عدالت علاوه بر جنبه های حقوقی، از منظر اخلاقی و مهرورزی نیز بسیار مورد تأکید الگوی تربیت اسلامی است. برای شکل گیری شخصیت سالم در فرزند، باید او را از آغازین روزهای زندگی، با مفهوم ارزشمند و بنیادین عدالت آشنا کنیم. اگر فرزندان، عدالت محوری را از والدین خود بیاموزند، آنان نیز در مقابل، رعایت حقوق و حفظ حرمت و احترام آنان سعی می کنند و مراقب خواهند بود که در برخورد با آنان از مرزهای عدالت تجاوز نکنند. باتوجه به اینکه امام خمینی (ره) پرورش یافته مکتب اسلام و قرآن بوده در تمامی زمینه ها از این مکتب الگو گرفته و در سیره عملی خود به دستورات آنها عمل کرده است. امام بر رعایت عدالت در خانواده اهتمام جدی داشته و آن را در رفتار عملا نشان می داد. به این صورت که از افراط و تفریط در این زمینه پرهیز کرده و در روش های تربیتی در خانواده مثل احترام و محبت، قناعت و ساده زیستی، بحث سن و جنسیت، رعایت حقوق، عدم تبعیض بین افراد خانواده و دیگران و دیگر مسائل اعتدال را برقرار کرده و باعث شکل گیری خانواده ای پرمهر و محبت و در عین حال مقید به موازین شرعی شده است. در تحقیقاتی که در زمینه عدالت از نگاه امام خمینی انجام گرفته بیشتر پیرامون عدالت اجتماعی و تا حدودی عدالت اقتصادی بوده و کمترین بحث عدالت شخصی و رفتاری امام بخصوص در سبک زندگی توجه شده است. امام بر این باور بود که تحقق عدالت اجتماعی از مسیر عدالت فردی می گذرد و این در حالی است که اگر حاکم جامعه اسلامی و مردم آن عادل نباشند، هیچ کدام از جنبه های عدالت یعنی عدالت فرهنگی، اقتصادی و قضایی و... محقق نخواهند شد، لذا ضرورت بر این شد که به بررسی عدالت رفتاری و شخصی امام بعنوان حاکم عادل جامعه اسلامی که توانست عدالت را در همه جوه آن به معنای واقعی بویژه در سبک زندگی پیاده کند، بپردازیم.

سوال اصلی این پژوهش این است که؛ عدالت فردی و رفتاری امام در سبک زندگی چیست؟ برای پاسخ به این سوال لازم است به کنکاش در پاسخ سوالات فرعی که در این زمینه مطرح میشه بپردازیم. سوالاتی مثل؛ معنای لغوی و اصطلاحی عدالت فردی چیست؟ وجوه عدالت فردی از جمله عدالت اخلاقی، عدالت فقهی چیست؟ نمونه های از رعایت مصادیق عدالت فردی امام در سبک زندگی کدام اند؟

معنای لغوی و اصطلاحی عدالت

عدالت در لغت به معنای مختلفی از جمله، برابری، مساوات، دادگری و... بکاررفته است.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات بیان می کند:

« عدل، عدالت و معادله الفاظی هستند که مفهوم مساوات را اقتضا می کنند. این کلمات به اعتبار برابری دو چیزه کاربرده می شود.» (راغب اصفهانی، مفردات، ج ۱، ص ۳۲۵).

در لغت نامه دهخدا عدالت به معنای " دادگری کردن"، " انصاف، امری بین افراط و تفریط" آمده است. (دهخدا، لغتنامه، ۱۳۴۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۱)

عدل در فرهنگ نامه معین اینطور معنا شده است. عدل به معنای، « نهادن هر چیزی به جای خود»، « حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» است.

خواجه نصیرطوسی عدالت را به معنی مساوات می‌داند و معتقد است عادل کسی است که چیزهای نامتناسب و نامتساوی را متناسب و مساوات می‌دهد. وی معتقد است که به حقیقت واضع تساوی و عدالت ناموس الهی است، چراکه منبع وحدت اوست. (طوسی خواجه نصیر، اخلاق ناصری، ۱۳۸۹، ص ۸۰).

ملا احمد نراقی در کتاب معراج السعاده در تعریف عدالت اینگونه عنوان کرده که عدالت ملکه‌ای است حاصل در نفس انسان که به سبب آن قادر می‌شود بر تعدیل جمیع صفات و افعال و نگاه داشتن در وسط و رفع مخالفت و نزاع فی مابین قوای مخالفه انسانیه به نحوی که اتحاد و متناسبیت و یگانگی و الفت میان همه حاصل شود. (نراقی ملا احمد، معراج السعاده، انتشارات جاویدان، ص ۴۴).

امام خمینی هم در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل و هم در کتاب عدل الهی خود، عدالت را چنین تعریف می‌کنند: عدالت عبارت است از؛ حد وسط بین افراط و تفریط. و آن از امهات فضائل اخلاقی است؛ بلکه عدالت مطلق، تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است؛ زیرا که عدل مطلق مستقیم به همه معنی است. (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص-۱۴۷ - عدل الهی، ۱۳۸۷، ص ۳).

شهید مطهری ضمن تقسیم عدل به عدل بشری و عدل الهی، در مورد عدل بشری بیان می‌فرمایند که ما افراد بشر، فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سوئی ندارد؛ به حقوق آن‌ها تجاوز نمی‌کند؛ هیچ گونه تبعیضی میان افراد قائل نمی‌گردد؛ در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اراده‌ی اوست با نهایت بی طرفی به همه به یک چشم نگاه می‌کند؛ در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال می‌دانیم و روش او را قابل تحسین می‌شماریم و خود او را «عادل» می‌دانیم. لذا عدل به این معنی یعنی مساوات یعنی تساوی و نفی هرگونه تبعیض است. (مطهری مرتضی، عدل الهی، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات صدرا، ص-۴۵ و ۵۶). خلاصه آنچه از معنای عدالت در تعاریف ذکر شده برداشت می‌شود این است که در این تعاریف بیشتر بر معنای اخلاقی عدالت تاکید شده و عدالت اخلاقی یعنی حد وسط افراط و تفریط قوای نفسانی، به این صورت که هرگاه نفس تعادل بین این قوا را به وجود آورد، به گونه ای که هیچ کدام در حال افراط و تفریط نباشند، عدالت به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، قوه عدل و فضیلت عدالت آن است که قوای غضب و شهوت تحت تدبیر عقل و شرع قرار گیرند.

تبیین عدالت فردی

عدالت بشری شامل دو جنبه فردی و اجتماعی است که عدالت فردی مربوط به خود افراد است و عرصه برقراری آن، وجود خود انسان است. عدالت فردی به این معناست که هر فرد بتواند در وجود خود و بین قوای نفسانی خود اعتدال برقرار نماید و در ضمن این عدالت مربوط به اخلاق و افعال انسان است. عدالت فردی در اندیشه امام دین در حوزه فقهی و اخلاقی مطرح شده، که البته بیشتر مطالب ناظر به حوزه اخلاق نفسانی است. یعنی اگر بخواهیم عدالت فردی را در حوزه فقهی تبیین کنیم به نوعی به حوزه اخلاق نفسانی عدالت برمی گردد. بعنوان مثال در تعریف زیر از عدالت فردی در حوزه فقهی امام چنین بیان می کند:

«عدالت حالت نفسانی است که انسان را به ملازمت تقوی و ادا می کند و مانع از این می شود که انسان گناهان کبیره، بلکه بنا بر اقوا یا احتیاط صغیره ها را انجام دهد، تا چه رسد به اصرار بر آنها که از گناهان کبیره حساب شده است و مانع می شود از این که انسان کارهایی بکند که عرفاً حاکمی از لایبالی بودن او نسبت به دین است و احتیاط آنست که اجتناب از کارهایی که منافات با مروت دارد معتبر باشد اگرچه بنا بر اقوی، معتبر نیست». (خمینی روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱ ص- ۴۹۹). در این تعریف فقهی از عدالت که امام آن را ذیل شرایط "امام جماعت" ذکر کرده است، برای امام جماعت شرایطی را بیان کرده که مهمترین آن عدالت است و عدالت را داشتن مروت و مرتکب نشدن گناه کبیره و اصرار نداشتن بر صغیره می داند. و اما گناهان کبیره؛ هر معصیتی است که نسبت به آن وعده و تهدید به آتش یا عقاب داده شده است، یا شدیداً با آن برخورد شده است، یا دلیلی دلالت می کند که آن گناه از بعضی از کبایر بزرگتر است، یا عقل حکم می کند که کبیره است، یا در اذهان اهل شریعت مسلماً چنین است، یا نصّی (از وحی) وارد شده، که کبیره است. و اما اصرار بر گناهان صغیره که موجب کبیره شدن آن می گردد، عبارت است از ادامه و ملازمت بر معصیت بدون آنکه پشت سر آن گناه، توبه ای بنماید و بعید نیست که بعد از انجام گناه صغیره، تصمیم بر انجام مجدد آن، از قبیل اصرار بر صغیره باشد، اگرچه آن را انجام ندهد خصوصاً اگر تصمیم او بر انجام آن، در حال ارتکاب معصیت اول باشد، البته ظاهر این است که بعد از انجام گناه صغیره، به مجرد این که توبه نماید و تصمیم بر انجام مجدد آن هم نداشته باشد، اصرار بر آن، تحقق پیدا نکند.

در ادامه توضیح عدالت امام جماعت مسائلی ذکر کردند که به دو مورد آن می پردازیم: یکی بنا بر اقوی، کسی که خودش را می شناسد که عدالت ندارد، ولی مأمومین به عادل بودن او اعتقاد دارند، جایز است که برای آنها نماز جماعت بخواند، اگرچه احتیاط آن است که نخواند و این نماز جماعت صحیح است و احکام نماز جماعت بر این نماز مترتب می شود. دوم چگونگی اثبات عدالت امام جماعت هست، که این عدالت با بیّنه مثلاً شهادت دو شاهد عادل و شیوعی که موجب اطمینان باشد ثابت می شود بلکه وثوق و اطمینان به عدالت از هر راهی که پیدا شود کفایت می کند. (همان، ص ۵۰۱)

این تعریف هرچند راجع به مسائل فقهی یا به عبارتی درحوزه فقهی عدالت مطرح هست، اما بازهم به عمل نفس در تعدیل قوا که مربوط به حوزه اخلاق نفسانی است برمی گردد. در این مورد امام در شرح چهل حدیث دلیل آن را اینطور بیان می کند: « دلیل برآنکه فریضه عدالت راجع به علم اخلاق است، توصیف فریضه است به "عادل" . زیرا که خُلُق حَسَن، چنانچه در آن علم مقرر است، خروج از حد افراط و تفریط است؛ و هر یک از دو طرف افراط و تفریط مذموم، و « عدالت»، که حد وسط و « تعدیل » بین آنهاست، مستحسن است. (امام خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۷۱، ص ۳۹۱).

اما آنچه درباره عدالت فردی در زمینه اخلاق نفسانی بیان داشته، اعتدال قوای ثلاثه، یعنی، قوه شهویه و غضبیه و شیطانیه است. لذا برای اینکه این معنی از عدالت یعنی عدالت فردی در بحث اخلاق نفسانی روشن شود لازم است که هر یک از قوای سه گانه را از نگاه امام توضیح دهیم:

امام خمینی بیان می کنند:

« انسان از ابتدای رشد طبیعی پس از قوه عاقله، با سه قوه ملازم است: یکی قوه واهمه که آن را «قوه شیطنت» گوئیم، و این قوه در بچه کوچک از اول عمر موجود است و به آن دروغ گوید و خدعه کند و مکر و حیل نماید. دوم قوه غضبیه که آن را «نفس سبعی» گویند، و آن برای رفع مضار و دفع موانع از استفادات است. سوم قوه شهویه که آن را «نفس بهیمی» گویند و آن مبدأ شهوات و جلب منافع و مستلذات در مآکل و مشرب و منکح است». (شرح حدیث جنود عقل و جهل، صص ۱۴۹ و ۱۵۰).

این سه قوه به حسب سنین عمر متفاوت شوند، و هر چه انسان رشد طبیعی کند، این سه قوه در او کامل تر گردد و ترقیات روزافزون کند. و ممکن است در انسان هر یک از این سه قوه در حد کمال رسد بطوری که هیچ یک بر دیگری غلبه نکند، و ممکن است یکی از آنها بر دیگری غلبه کند، و ممکن است دوتای از آنها بر دیگری غالب شود. همانطور که این قوای ثلاثه، طرف افراط آنها مفسد مقام انسانیت است، و انسان را گاه از حقیقت انسانیت و گاه از فضیلت انسانیت خارج کند، همانطور طرف تفریط و قصور آنها نیز از مفسدات مقام انسانیت و از ردایل ملکات بشمار می رود. و اگر تفریط و قصور، خلقی و طبیعی باشد بدون اختیار صاحب آن، نقصان در اصل خلقت است و غالباً توان نقصان های طبیعی را که بدین مثابه است با ریاضات و مجاهدات و اعمال قلبی و قالبی تغییر داد، و کمتر صفت از صفات نفس است که طبیعی به معنی غیره و غیره باشد، اگر نگوییم که هیچ یک نیست که قابل تغییر نباشد باخته پس عدالت، که عبارت از حد وسط بین افراط او تفریط و غلو و تقصیر است از فضائل بزرگ انسانیت است؛ بلکه از فیلسوف عظیم الشان «ارسطاطالیس» منقول است که:

«عدالت جزوی نبوت از فضیلت؛ بلکه همه فضیلت‌ها بودند، و جوری که ضد آنست جزوی نبوت از رذیلت؛ بلکه همه رذیلت‌ها بود». (همان، ص ۱۵۰).

امام در بیان‌های دیگر از عدالت فردی به " تعدیل قوه عملیه و تهذیب آن، تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه و روحیه و نفسیه، حد وسط افراط و تفریط، خط مستقیم و سیر معتدل تعبیر کرده و هرکدام از این معانی را در سبک زندگی خود بکار گرفته است. امام غایت کمال انسانی و بلکه منتهای سیرکمالی را تعدیل قوای نفسانی می‌داند و معتقد است غفلت از آن خسارت عظیم و خسران و شقاوت غیر قابل جبرانی را در پی دارد.

حکما جمیع اجناس فضایل را چهارفضیلت می‌دانند: حکمت، شجاعت، عفت، عدالت. زیرا نفس را دو قوه است: قوه ادراک و قوه تحریک. هرکدام از این دو قوه، به دو شعبه تقسیم می‌شود. و اما قوه ادراک به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود، و قوه تحریک به دو قوه دفع، که شعبه آن غضب است و قوه جذب، که شعبه آن شهوت است تقسیم می‌شود. تعدیل هر یک از این قوای چهارگانه و خارج نمودن آنها را از حد افراط و تفریط، فضیلتی است. پس حکمت عبارت است از تعدیل قوه نظریه و تهذیب آن، شجاعت عبارت است از تعدیل قوه غضبیه و تهذیب آن، عفت به معنای تعدیل قوه شهویه. در این مورد عدالت عبارت است از قوه عملیه و تهذیب آن. البته عدالت را اطلاق دیگری است و آن عبارت است از: تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه و روحیه و نفسیه. و به این اطلاق ارسطو گفته: عدالت همه فضیلت است نه جزوی از آن. و باید دانست که چون عدالت، حد وسط بین افراط و تفریط است، اگر از نقطه عبودیت تا مقام قرب ربوبیت تمثیل حسی کنیم، بر خط مستقیم وصل شود. پس طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عزّ ربوبیت، عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است. (همان، ص ۱۵۱).

یکی از تعابیر عدالت فردی از نظر امام فطری بودن حبّ عدل است. امام معتقد است از فطرت‌های الهیه، که در کمون ذات بشر مخمر است، حبّ عدل و خضوع در مقابل آن است، و بغض ظلم و عدم انقیاد در پیش آن است؛ اگر خلاف آن را دیدید، بدانند در مقدمات نقصانی است. (امام خمینی، عدل الهی، ۱۳۸۷، ص ۶).

لذا امام عدالت را فطری می‌داند و معتقد است سنت و حکمت خداوندی بر این است که انسان‌ها عادلانه زیست کنند و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال و تغییرناپذیر است. از آنجا که عدالت فطری است و همیشه در نهاد آدمی وجود دارد، بایستی آن را زنده نگاهداشت؛ برای این کار، امام تهذیب و تزکیه نفس را پیشنهاد می‌کند و معتقد است تا وقتی نفس تربیت نشود و عدالت در نهاد انسان راسخ و استوار نگردد تحقق آن در جامعه شدنی نیست. از دیدگاه امام خمینی نقطه آغاز هر اصلاحی خود انسان است. اگر انسان خودش مهذب نباشد نمی‌تواند دیگران را مهذب کند. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۹۱ و ۵۰۵). پس همانگونه که بیان شد، عدالت اجتماعی برپایه عدالت فردی است و عدالت موضوعی است که ریشه در عقل و فطرت انسان‌ها دارد، لذا هر جامعه‌ای برای دوام خود به آن نیاز دارد؛ چرا که بدون

اجرای عدالت، حقوق افراد ضایع شده، نارضایتی شکل می گیرد و هرج و مرج به وجود می آید. از این رو عدالت فطری به نوعی هم ناظر به عدالت فردی و هم ناظر به عدالت اجتماعی است. چون وقتی افراد جامعه اصلاح شوند و عدالت در آنها رسوخ و عدالت پرورش شوند، حاکم این جامعه هم که از بین همین افراد رشد کرده عادل خواهد شد و لذا جامعه عدالت محور می شود.

عدالت شخصی پایه عدالت اجرایی و قضایی است. به عبارت دیگر، با وجود قانون گذار، مجری و قاضی عادل است که می توان از قانون، اجرا و قضاوت منصفانه سخن به میان آورد. در رأس عدالت فردی هم که می توان از آن به عنوان الگو اشاره کرد حاکم اسلامی وجود دارد. عملکرد و رفتار مردم جامعه متأثر از رفتار هیأت حاکمه است، چرا که مردم بر دین و شیوه هیأت حاکمه عمل می نمایند: «الناس علی دین ملوکهم». عادلانه عمل کردن حاکم باعث رشد و ترقی جامعه هم می شود.

انسان عادل در هر جایگاهی که باشد، به قواعد و مقررات آن عمل می کند و رفتاری صحیح و شایسته از خود نشان می دهد. لذا کسی که عادل هست ابتدا باید به تعدیل قوای نفسانی و اصلاح آنها بپردازد، تا از این طریق بتواند به اصلاح خانواده و بعد جامعه خود اقدام کند. امام خمینی (ره) در این زمینه بعنوان مصداق واقعی و عملی اجرای عدالت توانست هم در زندگی شخصی و خانوادگی و هم بعنوان حاکم عادل جامعه اسلامی در همه زمینه ها عدالت را رعایت کند. در این مورد به نمونه های از اجرای عدالت در سیره عملی امام اشاره می کنیم:

امام خمینی در این زمینه می فرماید: « منشأ تمام گرفتاریها در همه جا این که آنهایی که متکفل امور ملت ها هستند تزکیه نشده اند. آن کسی که به یک ملتی سلطه دارد، به یک ملتی حکومت دارد، این چنانچه عدالت پرور باشد، دستگاه او عدالت پرور خواهد شد، بشرهایی که به او مرتبط هستند قهراً به عدالت گرایش پیدا می کنند، تمام ادارات تابعه آن مملکت، خواه ناخواه به عدالت گرایش پیدا می کنند. عدالت گسترده می شود در صورتیکه یک نفر که به مردم حکومت می کند، تزکیه شده باشد. اگر همه ملت تزکیه بشوند، تمام گرفتاریها از بین می رود است. » (صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۳۴ و ۱۳۵)

مصداق رعایت عدالت فردی در سبک زندگی

امام خمینی (ره) بعنوان حاکم و رهبر جامعه اسلامی همواره بر رعایت عدالت در تمامی سطوح آن بخصوص جنبه فردی و شخصی آن که زمینه ساز اجرای عدالت اجتماعی بوده تاکید کرده است. خانواده نخستین کلاس تربیتی و در واقع مهمترین محیط موثر بر رشد و پرورش انسان است، امام توجه خاصی به مسائل تربیتی از جمله رعایت عدالت بعنوان عامل وحدت، نشاط و رضایت اعضای خانواده داشته است. امام که خود شاگرد مکتب قرآن و اسلام بوده، دیدگاه خود درباره مسائل تربیتی بویژه عدالت را بر مبانی اسلام در جامعه و بخصوص خانواده پیاده کرده است. در ادامه به بیان نمونه هایی از عدالت فردی در سیره عملی در سبک زندگی امام خمینی (ره) اشاره می کنیم.

1- عدالت در محبت

احترام و محبت زیربنای لازم تشکیل خانواده است. عدالت بعنوان عامل تعدیل این محبت در دو سوی افراط و تفریط، نقش مهمی در حفظ آرامش و ثبات زندگی خانوادگی دارد. امام در این زمینه با دقت و ظرافت و به اقتضای موقعیت سنی و جنسی در خانواده به رعایت این اصل مهم یعنی عدالت در محبت بعنوان یکی از شیوه های بارز تربیتی در سیره عملی و رفتاری خود توانست زندگی موفق‌تری که خود الگوی مناسبی برای جامعه ما بوده ارائه نماید. امام به همه اهل خانواده محبت داشت و طوری بود که هر کدام از فرزندان احساس می‌کرد خودش را از همه بیشتر دوست دارد و این در حال بود که همه را بطور یکسان احترام و محبت می‌کرد. امام در هنگام دیدار با هر یک از نزدیکان خویش به گونه ای عمل می‌کردند که هیچ تفاوتی در ابراز علاقه شان بین فرزندان دیده نمی‌شد و بلکه همه را یکسان محبت می‌کردند.

به نقل از صدیقه مصطفوی دختر بزرگ امام، آقا همه اولادهایشان را دوست داشتند. هر کدام که می‌رفتند پهلوی ایشان، هر کدام عقیده شان این بود که او را از همه بیشتر می‌خواهد. این اخلاق را نداشتند که فرق بگذارند. آن فکر می‌کرد مرا بیشتر دوست دارد، می‌گفت، آقا مرا بیشتر دوست دارد. دیگری می‌رفت بچه اش را که می‌برد پیش آقا، عقیده اش می‌شد که این بچه اش را از همه بیشتر می‌خواهد. (رجایی، ۱۳۸۸ ج ۱ ص ۱۲ و ۱۳).

آنچه که اصلاً در منزل امام مطرح نبود، مسئله دختر و پسر بود همه بچه‌ها برای امام عزیز بودند و هیچ وقت امام فرقی از نظر محبت بین هیچ کدام از بچه‌ها نمی‌گذاشتند و این را در کلام دخترشان خانم فریده مصطفوی می‌توان فهمید که گفتند؛ ما هیچ وقت احساس نکردیم که حتی حضرت امام کدام یک از ما را بیشتر دوست داشتند و کدام یک را کمتر. رفتارشان با همه یکسان بود. (ستوده، ج ۱، ص ۱۴۱). رفتار امام با تک تک فرزندان به گونه‌ای بود که هر کس فکر می‌کرد او را بیشتر از بقیه دوست دارند.

2- عدالت در تقسیم شهریه فرزندان خود با دیگر طلاب

امام که خود پرورش یافته مکتب اسلام است، همه انسانها را به یک چشم نگاه کرده و هیچ امتیازی، چه از لحاظ رنگ و چه از لحاظ جنسیت و ملیت و نژاد بین مردم قائل نشده، و به پیروی از قرآن ملاک برتری را رعایت تقوایی دانند. در این مورد امام مثل مولی خود علی علیه السلام هیچ گاه نسبت خانوادگی در تقسیم بیت المال بر او تأثیر نداشته و همواره به رعایت عدالت بر موازین شرعی اقدام کرده است.

بعنوان نمونه امام خمینی به همه طلاب شهریه ای یکسان می‌دادند؛ برای اولین بار در تاریخ حوزه نجف تبعیضی را که در تقسیم شهریه حاکم بود ملغی کرد چون

در حوزه نجف طلاب ایرانی و شاید عراقی را به عنوان نسل برتر می‌شناختیم و طلاب غیرایرانی و غیرعرب مانند طلاب پاکستانی هندی و افغانی را نسل دوم حساب کرده و به آن‌ها شهریه کمتری می‌دادند. (رجائی، ج ۳، ص ۳۰۷)

امام در تقسیم بیت‌المال خیلی به خودشان سخت می‌گرفتند، به حاج احمد آقا وقتی هنوز مُعَمَّم نشده بودند فرموده بودند: « من نمی‌توانم پولی به عنوان شهریه به تو بدهم مگر اینکه معَمَّم بشوی.» لذا امام وقتی فرزندان خود معمم نشده بودند از پول شخصی که داشت به ایشان می‌داد ولی وقتی معمم می‌شدند مثل همه طلبه‌ها و به‌اندازه‌ی دیگران به آن‌ها شهریه می‌دادند یعنی هیچ‌گونه تبعیضی در تقسیم شهریه بین فرزند خود و دیگر طلاب قائل نبودند. (همان، ج ۳، ص ۳۱۲).

3- عدالت در رعایت حقوق

یکی از مصادیق عدالت، رعایت حقوق انسان در همه ابعاد است. امام نسبت به این مهم توجه اساسی داشتند و هیچ فرقی بین اعضای خانواده خود و دیگران حتی در مسائل عادی هم قائل نبودند. امام همیشه تاکید می‌کردند که بندگان خدا هیچ امتیازی جز از نظر تقوا و پرهیزگاری برهم ندارند و این مسئله را به اعضای خانواده گوشزد می‌کردند. بطوری که دختر امام نقل می‌کنند که هیچ فرقی بین ما و کارگری که در منزل کار می‌کردند قائل نبودند. (رجائی، ج ۳، ص ۳۱۳)

همینطور امام هیچ تفاوتی بین نزدیکان خود و غریبه‌ها نمی‌گذاشتند اگر یکی از بستگان ایشان حاجتی داشت و غریبه هم همان حاجت را داشت آقا هر دو را مساوی قرار می‌داده‌اند. (همان، ج ۳، ص ۳۱۳).

امام بر رعایت حقوق بر اساس عدالت سفارش کرده و بیان می‌کنند: در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیرترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است کسی که تقوا دارد امتیاز دارد، کسی که روحیات خوب دارد امتیاز دارد؛... امتیاز به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود. (صحیفه امام، ج 6، ص 461).

امام مقید بودند که هیچ امتیازی برای خود یا نزدیکانشان در نظر گرفته نشود به عنوان مثال امام شنیده بودند که به یکی از کسانی که در منزل خدمت می‌کرد در صف نانوايي به خاطر اینکه خدمتکار منزل آقا هستند هم ایشان را جلو می‌بردند و هم هرچقدر نان می‌خواستند به ایشان می‌دادند و لذا تذکر دادند و به اون شخص گفتند که این کار را تکرار نکنند و تاکید داشتند که نوبت را رعایت کنند و هیچ امتیازی در این زمینه با دیگران قائل نبودند. (ستوده، ج ۱، ص ۲۱۵).

4- عدم تبعیض در رفتار

یکی از مصادیق بارز رفتار امام در خانواده و جامعه که در واقع از سیره عملی امام در زندگی نشأت گرفته رعایت عدالت و عدم تبعیض بین اعضای خانواده و منتسبین به خود با دیگران بود. در این زمینه نمونه هایی از این رفتار امام را بیان می کنیم:

امام در تشییع جنازه‌ی فرزندش مرحوم حاج آقا مصطفی هیچ امتیازی قائل نشدند. امام اصولاً بسیار کم در مراسم تدفین یا نماز میت شرکت می‌کردند، مگر در موارد استثنائی که فرد فوت شده از شخصیت‌های والای جامعه روحانیت و یا از دوستان و یارانشان بود. به این صورت که حدود پنج دقیقه قبل از حرکت جنازه حضور پیدا می‌کردند و بعد از حرکت جنازه مسافت حدود بیست یا سی متر را به دنبال جنازه رفته و بعد به خانه برمی‌گشتند. در تشییع جنازه‌ی فرزندشان مرحوم حاج آقا مصطفی هم همین رفتار را انجام داده و هیچ گونه امتیازی قائل نشدند. (رجائی، ج ۳، ص ۳۱۵)

یا در برخورد با شاگردان سابق و یا نزدیکان خود با کسانی که تازه به کلاس درس امام اضافه می شدند تفاوتی در رفتارشان نبود. برخورد امام با شاگردانشان یکسان بود. رفتار ایشان نسبت به بعضی از آن‌ها که بیشتر به ایشان اظهار علاقه می‌کردند و از سابقه بیشتری برخوردار بودند با دیگران تفاوتی نداشت حتی شاگردانشان را بر دیگر طلاب ترجیح می‌دادند. (همان، ج ۳، ص ۳۱۶).

دقت کنید تبعیض نباشد؛ وقتی دو تن از افراد منسوب به بیت امام شهید شدند. امام فرمودند: «مبادا از این جهت که این شهدای عزیز منسوب به بیت من هستند در تبلیغات مربوط به آن‌ها در رسانه‌ها و صدا و سیما رعایت عدالت نشود. دقت کنید تبلیغ این شهدا با شهدای دیگر تفاوتی نداشته باشد.» (همان، ج ۳، ص ۳۱۷)

یک روز پسر یکی از وزرا شهید شده بود به امام عرض کردند که آقا برای شهادت ایشان یک پیام بدهید. امام فرمودند: به خاطر اینکه وزیر است می‌گویید پیام بدهم شما فکر می‌کنید تنها پسر ایشان شهید شده است. تمام این شهدا فرزندان من هستند و من اگر بخواهم پیام بدهم باید برای همه آن‌ها پیام بدهم و برای من فرقی بین این‌ها نیست. (رجائی، ج ۳، ص ۳۱۶).

5- عدالت در ساده زیستی

آنچه از سیره عملی زندگی خانوادگی امام درباره ساده زیستی ایشان بیان شده اینکه امام با اینکه در راس مملکت بودند، زندگی متعارفی داشتند و در زندگی شخصی مثل بقیه مردم عادی زندگی می‌کردند. به طوری که هیچ فرقی با سابق نکرده بودند چه از نظر غذا و چه از نظر پوشاک و سایر وسایل منزل. یعنی همان زندگی عادی که قبلاً داشتند در زمانیکه در راس جامعه قرار گرفتند، همان زندگی معمولی را ادامه دادند. بعنوان مثال مرحوم سید احمد خمینی فرزند امام نقل می‌کنند؛ زمانیکه در نجف بودند با اینکه از گرمی هوا بسیار اذیت می شدند ولی هر کاری کردند که امام یک کولر گازی برای منزل بخرند ولی اجازه ندادند و می گفتند: «مگر طلبه‌ها دارند؟ مگر بقیه خانه هاست؟» (ستوده، ج ۱، ص ۱۱۷).

امام در طی اقامت خود در عراق تمام تابستان‌ها را در همان نجف سوزان که شدت گرمایش گاهی به ۵۴ درجه می‌رسید گذراند. اتفاقاً مقابل منزل امام دکان نانوايي قرار داشت که گرمای آن به وسیله لوله قطوری به طرف منزل امام پخش می‌شد و فضای محوطه را دوچندان گرم می‌کرد! مکرر در مکرر از امام درخواست می‌شد که تابستان‌ها را در کوفه بگذرانند به ویژه آنچه کوفه تقریباً محل تابستانی بعضی از بزرگان و اهل علم نجف بود ولی ایشان فرمود می‌فرمودند: «تا همه عزیزان طلبه ام وسیله اقامت در کوفه را نداشته باشند کوفه نمی‌روند». همینطور بعضی از تجار به منزل امام در نجف می‌آمدند و می‌گفتند که نه از وجوهات بلکه همین طوری می‌خواهیم برای شما وحاج آقا مصطفی منزل بخیریم. امام جواب می‌دادند: «هر وقتی به همه طلبه‌ها خانه دادند یک منزل به مصطفی می‌دهند و یک منزل هم به من خواهند داد». (رجائی، ج ۱، ص ۱۰۲).

6- عدالت در حفظ جان

ارزش و کرامتی که دیدگاه امام خمینی برای انسان قائل است هرگونه تعرض به جان افراد را بشدت محکوم می‌کند. امام هیچ فرقی بین خود و اعضای خانواده با دیگران در حفظ امنیت، برخورداری از امکانات و حفظ جان قائل نبودند. بلکه عنوان می‌کردند جان من و آن پاسداری که برای حفظ امنیت وطن خدمت می‌کند از نظر ارزش یکی است. امام مکرراً می‌فرمودند که در این زمینه هیچ فرقی بین من و مردم عادی نیست. «من از خدا می‌خواهم تا در برابر ملت‌م به شهادت برسم و در کنار آنها کشته شوم. من بارها گفته‌ام که من با یک شخص عادی یکی هستم.» (خمینی روح الله، صحیفه، ج 5، ص 539-540).

احمد آقا فرزند امام نقل می‌کنند در روزهای اوایل جنگ یک محل ضد بمب برای امام در جماران درست کرده بودند هنگامی که جماران را بمباران کردند با اینکه محل ضد بمبی برای امام درست کرده بودند و هرچه اصرار می‌کردیم که امام در آن مکان پناه بگیرند، امام فرمودند: «والله بین خودم و آن سپاهی هیچ امتیازی و فرقی قائل نیستم اگر من کشته شوم یا او کشته شود برای من فرقی نمی‌کند و اینکه فرمودند مردم بدانند اگر من به یک جایی بروم که بمب، پاسداران اطراف منزل مرا بکشند و مرا نکشند، من دیگر به درد رهبری این مردم نخواهم خورد.» (ستوده، ج ۱، ص ۱۱۳).

7- تاکید بر تک همسری بخاطر حفظ عدالت

یکی از جنبه‌های عدالت فردی عدالت در حوزه فقه هست که عدالت در قضاوت و رعایت حق دیگری از آن متبادری شود لذا امام یکی از مصادیق رعایت عدالت در خانواده را تک همسری و عدم تعدد زوجات می‌شمردند. امام عدالت را بسیار مهم می‌دانستند و معتقد بودند بعید است مردی بتواند در این مورد عدالت را کاملاً رعایت کند. به همین دلیل نیز مسئله تعدد زوجات برایشان قبیح و ناپسند بود. و در همین مورد هم خودشان و هم فرزندانشان هر کدام تنها یک همسر اختیار کردند و این مسئله را طوری القا می‌کردند که گویی اصلاً از مردی که

خلاف این کار را بکند و زوجات متعدد اختیار کند، بدشان می‌آید. البته در این مورد هرچند باید به شرایط جامعه هم توجه کرد و زمانی ممکن است تعدد زوجات از نظر اداره جامعه ضرورت داشته باشد، بنابراین می‌توان درباره فلسفه این کار بحث کرد و جوانب مختلف آن را در نظر گرفت. اما به هر حال اینکه بخواهیم عدالت را کاملاً در تمام جوانب رعایت کنیم سخت است. به همین خاطر امام روی این مسئله حساس بودند لذا نقل شده که حضرت امام شنیدند که استادشان مجدداً ازدواج کرده‌است. نزد آن روحانی رفتند و از علت این کار پرسیدند. آن روحانی در جواب گفته بود که قضیه ربطی به ایشان ندارد. آن‌طور که گفته اند، امام بلند شدند و خانه آن مرد را ترک کردند و دیگر به نزد آن استاد نرفتند؛ چون آن مرد، هیچ دلیلی برای ازدواج مجدد نداشت و تنها به این دلیل که دلش می‌خواست، ازدواج کرده بود. واضح است که ملاک صرفاً نباید خواسته دل باشد. (ستوده، ج ۱، ص ۲۵۵). در این رابطه امام از آنجایی که مقید به رعایت اعتدال در تمامی زمینه‌ها، بخصوص رعایت حقوق همسر در خانواده بودند، لذا تأکید داشتند که بدون دلیل ازدواج مجدد صورت نگیرد چرا که رعایت عدالت بین همسران واقعا کار ساده‌ای نیست.

نتیجه

خداوند باری تعالی نظام تکوین را بر محور عدالت انشا نموده و انسان را نیز به اجرای عدالت و پرهیز از ظلم فرا خوانده است. این عدالت ابتدا باید در وجود انسان استقرار یابد. ایجاد عدالت در وجود انسان، یعنی ساختن انسانی که عقل و نفس و ظاهر و باطن و عقاید و اخلاقش بر صراط مستقیم و حد اعتدال باشد.

امام بیان‌های مختلفی از عدالت فردی ارائه کرده است که بیشتر از همه به جنبه اخلاقی و این معنای عدالت یعنی، حد وسط افراط و تفریط تأکید کرده است. از جمله بیان‌های دیگر امام در باب عدالت فردی؛ حالت نفسانی ملازم با تقوا در ترک محرمات و انجام واجبات، تعدیل قوه عملیه و تهذیب آن، تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه، خط مستقیم و سیر معتدل می‌باشند. امام معتقد است تحقق عدالت اجتماعی از مسیر عدالت فردی می‌گذرد و از این طریق سعی کرده در سبک زندگی با الهام از سیره انبیای الهی و ائمه اطهار عدالت را در تمامی وجوه آن رعایت نماید. امام توانسته چه در خانواده و چه در جامعه در روش‌های تربیتی از جمله؛ احقاق حقوق، احترام و محبت، ساده زیستی، عدم تبعیض در تمامی زمینه‌ها... اعتدال برقرار کند و عملاً نشان دهد که با رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط به به سعادت رسید.

فهرست منابع

- امام خمینی روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۸، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- -----، تحریر الوسیله، ج ۱، ۱۳۸۸، مترجم علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- -----، شرح چهل حدیث، ۱۳۷۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- -----، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- -----، صحیفه امام، ۱۳۸۸، ج ۹، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- -----، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- -----، عدل الهی، ۱۳۸۷، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهخدا علی اکبر، لغت نامه، ۱۳۴۱ ه. ش، تهران.
- الراغب الاصفهانی، المفردات، ۱۴۰۴ ق، دفتر نشر کتاب.
- رجائی غلامعلی، ۱۳۸۸، برداشت هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۱، تهران، نشر عروج.
- -----، ۱۳۸۸، برداشت هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۳، تهران، نشر عروج.
- ستوده امیررضا، پاییز ۱۳۸۰، پایه پای آفتاب، ج ۱، تهران، موسسه نشرینجره.
- طوسی خواجه نصیر، اخلاق ناصری، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات فردوس.
- مطهری مرتضی، عدل الهی، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات صدرا.
- معین، محمد، فرهنگ معین، واژه عدل.
- نراقی ملا احمد، معراج السعاده، بی تا، سازمان انتشارات جاویدان.